

سرمقاله

شکاف بزرگ میان تصور

سیاستگذار و واقعیت مصرف گاز در ایران

آیا همه پر مصرف‌های انرژی پردرآمد هستند؟

است در عمل نتیجه معکوس داشته باشند و فشار بیشتری بر گروه‌هایی وارد کنند که توان مالی کمتری دارند. از این منظر، این گزارش یک هشدار جدی برای نظام سیاستگذاری انرژی در کشور محسوب می‌شود. در اقتصادی که پارانه انرژی سهم بزرگی از منابع عمومی را به خود اختصاص داده، طراحی سیاست‌های اصلاحی بدون درک دقیق الگوی مصرف می‌تواند پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای داشته باشد.

در نهایت، نتیجه اصلی این مطالعه ساده اما مهم است: مصرف انرژی لزوماً شاخص مناسبی برای سنجش رفاه نیست. وقتی عوامل اقلیمی، ساختار مسکن و ویژگی‌های فنی ساختمان‌ها نقش تعیین‌کننده در مصرف دارند، سیاستگذاری باید از نگاه تک‌بعدی فاصله بگیرد و به سمت مدل‌های پیچیده‌تر و دقیق‌تر حرکت کند.

در غیر این صورت، خطر آن وجود دارد که اصلاحات اقتصادی به جای هدف گرفتن نابرابری، تنها به افزایش هزینه زندگی برای بخشی از جامعه منجر شود؛ جامعه‌ای که مصرف بالای انرژی آن، نه از رفاه بیشتر، بلکه از شرایط جغرافیایی و زیرساختی ناشی شده است. ♦

سیستم گرمایشی وسن بنا است؛ عواملی که الزاماً ارتباط مستقیمی با سطح درآمد ندارند. بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد در ساختمان‌های قدیمی و کم‌بازده از نظر انرژی زندگی می‌کنند، در حالی که برخی خانوارهای پردرآمد در ساختمان‌های جدید با استانداردهای بهره‌وری انرژی سکونت دارند. در چنین شرایطی، مصرف بالاتر الزاماً به معنای رفاه بیشتر نیست.

اهمیت این یافته‌ها زمانی روشن‌تر می‌شود که آن را در چارچوب سیاست‌های اصلاح پاران انرژی بررسی کنیم. در بسیاری از طرح‌های پیشنهادی، از افزایش پلکانی قیمت انرژی به‌عنوان ابزاری برای هدف‌گیری دهک‌های پردرآمد یاد می‌شود. اما اگر توزیع دهک‌های درآمدی در پله‌های مصرف تقریباً یکنواخت باشد، چنین سیاستی ممکن است بخشی از خانوارهای کم‌درآمد را نیز به همان اندازه تحت فشار قرار دهد.

به همین دلیل، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس تأکید می‌کند که هرگونه اصلاح در نظام قیمت‌گذاری انرژی باید بر پایه تحلیل دقیق داده‌های مصرف و ساختار رفاهی جامعه انجام شود. در غیر این صورت، سیاست‌هایی که با هدف «عدالت توزیعی» طراحی شده‌اند، ممکن

این یافته از منظر آماری اهمیت زیادی دارد، زیرا نشان می‌دهد مصرف انرژی در بخش خانگی ایران تابع عوامل متعددی فراتر از سطح درآمد است. یکی از مهم‌ترین این عوامل، اقلیم جغرافیایی است. در مناطق سردسیر کشور، نیاز گرمایشی خانوارها به‌طور طبیعی بسیار بیشتر از مناطق گرم یا معتدل است. بنابراین حتی یک خانوار با درآمد متوسط یا پایین که در یک اقلیم سرد زندگی می‌کند، ممکن است مصرف گاز بالاتری نسبت به یک خانوار پردرآمد در اقلیم معتدل داشته باشد.

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که تفاوت اقلیم‌ها در مصرف انرژی آن‌قدر قابل توجه است که حتی با در نظر گرفتن مصرف همزمان گاز و برق نیز این شکاف از بین نمی‌رود. به عبارت دیگر، ساختار جغرافیایی مصرف انرژی در ایران به‌گونه‌ای است که میانگین مصرف در مناطق مختلف کشور تفاوت معناداری دارد. این مسئله نشان می‌دهد که استفاده از یک شاخص ساده مانند «مصرف انرژی» برای تشخیص سطح رفاه خانوارها می‌تواند به خطای جدی در سیاستگذاری منجر شود.

از منظر رفتار مصرفی نیز این یافته‌ها قابل توضیح است. بخشی از مصرف انرژی در خانوارها ناشی از ساختار ساختمان‌ها، کیفیت عایق بندی، نوع

♦ | در ادبیات سیاستگذاری انرژی در ایران، یک فرض تقریباً بدیهی وجود دارد: مصرف بالای انرژی نشانه رفاه بالاتر است. بر همین مبنا، بسیاری از سیاست‌های قیمتی یا طرح‌های اصلاح پاران انرژی با این پیش‌فرض طراحی شده‌اند که افزایش قیمت یا فشار بر مشترکان پر مصرف، عمده‌تأ دهک‌های پردرآمد را هدف قرار می‌دهد. اما گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس درباره الگوی مصرف گاز خانگی، تصویری متفاوت از این روایت رایج ارائه می‌دهد؛ تصویری که نشان می‌دهد رابطه مستقیمی میان سطح درآمد خانوار و میزان مصرف گاز طبیعی وجود ندارد.

این گزارش که با همکاری اندیشکده ایتان تهیه شده، توزیع مصرف گاز در میان دهک‌های مختلف رفاهی را بررسی کرده است. نتیجه اصلی مطالعه به‌طور خلاصه در دو جمله قابل بیان است: نه همه پر مصرف‌ها پردرآمد هستند و نه همه کم‌مصرف‌ها کم‌درآمد. به بیان دقیق‌تر، وقتی مصرف‌کنندگان در پله‌های مختلف مصرف گاز دسته‌بندی می‌شوند، توزیع دهک‌های درآمدی در هر پله تقریباً یکنواخت است. یعنی حتی در بالاترین سطوح مصرف نیز می‌توان خانوارهایی از دهک‌های پایین تادهک‌های بالا را مشاهده کرد.

تحولات بازار جهانی انرژی

بازار نفت در آستانه نقطه شکست؛ سناریوی نفت ۱۸۰ دلاری جدی شد

در ماه مه کاهش یافته است. این سطح، پایین‌ترین میزان صادرات از زمان شکل‌گیری این ائتلاف در سال ۲۰۱۶ محسوب می‌شود و می‌تواند فشار صعودی تازه‌ای بر قیمت‌ها وارد کند. در چنین شرایطی برخی تحلیل‌ها حتی از سناریوهای قیمتی بسیار بالاتر سخن می‌گویند. فایننشال تایمز گزارش داده بحران انرژی از مرحله «ترس بازار» عبور کرده و به مرحله کمبود فیزیکی عرضه وارد شده است؛ مرحله‌ای که در آن کاهش ذخایر و اختلال در صادرات به‌طور مستقیم بر قیمت‌ها اثر می‌گذارد. طبق این گزارش، نزدیک به ۸۰ کشور وضعیت اضطراری اعلام کرده‌اند و در صورتی که تنگه هرمز همچنان دچار اختلال بماند، سناریوی نفت ۱۸۰ دلاری دیگریک فرضیه دور از ذهن تلقی نمی‌شود.

اقتصاد انرژی

از ژاپن تا آمریکا؛ بحران انرژی در حال سرایت به اقتصاد جهانی

یافته است؛ در حالی که طی یک دهه گذشته در همین بازه زمانی معمولاً حدود ۳ میلیون بشکه به ذخایر افزوده می‌شد. این کاهش شدید تنها به بنزین محدود نیست و شامل گازوئیل، سوخت جت، LPG و سایر فرآورده‌ها نیز می‌شود. هم‌زمان، ذخایر بنزین آمریکا پیش از آغاز فصل اوج تقاضای رانندگی به کمتر از ۲۱۵ میلیون بشکه سقوط کرده که پایین‌ترین سطح در پنج سال گذشته محسوب می‌شود. قیمت بنزین نیز اکنون حدود ۴۰۶ دلار در هر گالن است و برخی تحلیلگران هشدار می‌دهند با ورود به فصل تابستان احتمال عبور قیمت‌ها از مرز ۵ دلار افزایش خواهد یافت.

ژئوپلیتیک انرژی

هرمز در مرکز معادله انرژی؛ عبور کشتی‌ها با هماهنگی ایران، توقف صادرات کویت

در سوی دیگر خلیج فارس، برخی کشورهای صادرکننده نفت با اختلال جدی مواجه شده‌اند. وال استریت ژورنال گزارش داده با بسته شدن مسیرهای دریایی و حملات پهپادی، صادرات حدود ۲ میلیون بشکه در روز نفت کویت متوقف شده است؛ رخدادی که برای این کشور پس از بحران حمله عراق در سال ۱۹۹۰ یکی از جدی‌ترین شوک‌های انرژی محسوب می‌شود. در حال حاضر، تأمین مواد غذایی و کالاهای اساسی کویت از مسیر زمینی عربستان انجام می‌شود که هزینه آن حدود شش برابر حمل‌ونقل دریایی برآورد شده است. مجموع این تحولات نشان می‌دهد تنگه هرمز همچنان حساس‌ترین گلوگاه انرژی جهان مانده و هرگونه اختلال در آن می‌تواند به سرعت توازن بازار نفت، تجارت دریایی و حتی امنیت غذایی برخی کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

در کنار فشارهای بازار، تحولات میدانی در تنگه هرمز نیز به یکی از متغیرهای تعیین‌کننده بازار جهانی انرژی تبدیل شده است. بر اساس اعلام نیروی دریایی سپاه پاسداران، طی ۲۴ ساعت گذشته ۳۱ فروند کشتی شامل نفتکش‌ها، کشتی‌های کانتینربر و سایر شناورهای تجاری با هماهنگی و تأمین امنیت این نیرو از تنگه هرمز عبور کرده‌اند.

گزارش‌های میدانی نیز نشان می‌دهد که همچنان تقاضا برای عبور از این آبراه ادامه دارد. طبق گزارش خبرنگار مستقر در منطقه، طی یک شبانه‌روز گذشته حدود ۳۰ شناور برای عبور از تنگه هرمز با نیروهای دریایی ایران در حال هماهنگی بوده‌اند و انتظار می‌رود بخش قابل توجهی از آنها با مسیرهای تعیین‌شده از این آبراه عبور کنند.